

## علویان در تعدد

محمدحسن بهنام‌فر  
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران



علویان ترکیه

نویسنده: نوری دونمز

مشخصات نشر: قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹،

۱۵۲ صفحه

علوی‌گری، تاریخ مکتوب و یا رسومی اعتقادی، مانند تشیع نداشته است و لازم به تأکید است که بررسی تاریخ تشیع به مثابه تاریخ علوی‌گری، کار درستی نیست. بدین ترتیب در بررسی و مطالعه‌ی تاریخ علویان ترکیه باید ابتدا در منابع و مطالبی که درباره‌ی آن‌ها نوشته شده دقت کافی به خرج داد. جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی وقایع سیاسی و اجتماعی که بتوان آن را تاریخ برونی علوی‌گری نامید، به منابع دوره‌ی عثمانی و گاهی نیز منابع دوران اولیه‌ی صفویه، نیاز خواهد داشت و در عین حال که نباید تاریخ علوی‌گری و تاریخ صفویه را با هم خلط کرد، ناچاریم که اغلب به وقایع‌نامه‌ها و اسناد آرشیو عثمانی تکیه کنیم. این دسته را می‌توان منابع رسمی خواند؛ زیرا مهم‌ترین مشکل آن‌ها این است که تحت‌تأثیر حکومت مرکزی عثمانی یا طبق نظر دولت صفویه که با عثمانی‌ها در حال جنگ بود، نوشته شده‌اند. این مسأله تا حد زیادی جبران‌شدنی است، لیکن مشکلی که باقی می‌ماند این است که منابع مذکور برای بیان کامل تاریخ برونی علوی‌گری ناکافی‌اند. علاوه بر این، در تاریخ‌های مختلف و نیز در سیاحت‌نامه‌هایی که برخی از سیاحان اروپایی، پس از دیدار از ترکیه نگاشته‌اند، مطالبی درباره‌ی علوی‌گری و علویان دیده می‌شود. این مطالب بسیار مختصر و مربوط به قرن‌های هفدهم، و اغلب، هجدهم و نوزدهم است. هم‌چنین شجره‌نامه‌هایی (سیادت‌نامه‌ها) که در دست بعضی از دده‌های علوی‌اند و نیز فرمان‌ها، اسنادی هستند که غالباً تحت نفوذ دولت عثمانی بوده‌اند؛ چنان‌که مشاهده می‌شود، محققى که می‌خواهد تاریخ علوی‌گری را بنگارد ناگزیر است به مطالب و مأخذ غیرعلوی اکتفا کند.

گروه دوم منابع، متعلق به خود علویان است که می‌توان آن‌ها را به دو گروه کتبی و شفاهی تقسیم کرد. مشکلات استفاده از این منابع بیش‌تر است؛ زیرا، اولاً قسمت مکتوب آن مربوط به زمان‌های بسیار متأخر است؛ مثلاً، قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به قرن هجدهم است و ثانیاً، در نگارش آن‌ها دقتی صورت نگرفته است و بیش از آن که مطالبی درباره‌ی شکل‌گیری تاریخ برونی علوی‌گری ارائه دهند، به آن‌چه تاریخ درونی گفته می‌شود؛ یعنی باورها، مراسم مذهبی، بعضی از شخصیت‌های مهم تاریخی و زندگی اولیه‌ی بکتاشی، می‌پردازند.

دسته‌ی دوم منابع [شفاهی]، «مناقب‌نامه‌ها» و «نفس‌ها» (اشعاری که اصول عقاید بکتاشی - علوی در آن‌ها بیان شده است) هستند. دسترسی به این منابع و مکتوب کردن آن‌ها و بعضی روایات شفاهی غیرممکن است.

علویگری و ساختار باورهای آن بر جغرافیای وسیعی تکیه دارد که از آناتولی تا آسیای مرکزی و شبه جزیره‌ی بالکان امتداد می‌یابد. دومین مسأله، در خصوص زیربنای اجتماعی علوی‌گری است. امروزه گروه‌های علوی با توجه به ریشه‌ی قومی خود، شامل عناصر مختلفی می‌شوند: ترک‌های علوی، کردهای علوی، ترک‌های علوی کرد شده، کردهای علوی ترک شده، ابدلان و علویانی که از پنج الی شش نسل یا ادوار پیش‌تر علوی شده و از نظر ریشه‌ای از نوادگان مردمان بومی آناتولی هستند. تشخیص و تثبیت آن‌ها و معلوم کردن تعداد و نسبت‌هایشان طبق آمار و ارقام [موجود] و تهیه‌ی آمار قطعی از آنان غیرممکن است. این نکته نیز درست است که اغلب علویان، [نخست] ریشه‌ی ترکی و در درجه‌ی دوم ریشه‌ی کردی دارند.

امروز در بین نویسندگان این دو گروه، کشمکش‌ی بر سر تقدم علوی‌گری وجود دارد؛ با این حال، علوی‌گری اساساً در بین کدام گروه و قوم به وجود آمده است؟

سومین بحث، موضوع اصول اعتقادی علوی‌گری است. علوی‌گری دارای اصول اعتقادی مکتوب و نظام‌مند نیست. اصول عقاید موجود نیز شفاهی و به صورت اسطوره‌ای عرضه شده و حاصل یک التقاط گسترده است که خود باعث ایجاد مسائلی جدی شده است. در این خصوص باید بر سه نکته‌ی اصلی تأکید کرد: ۱- روند شکل‌گیری این اعتقادات و عوامل مؤثر بر آن‌ها چیست؟ ۲- عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این اعتقادات کدامند؟ ۳- این اعتقادات چگونه‌اند؟

مهم‌ترین مسأله، تقسیم تاریخ علوی‌گری به دوره‌های مختلف است؛ به عبارت دیگر، تثبیت دوره‌هایی که این تاریخ را تشکیل داده‌اند و نقطه‌ی عطف مسائلی که تاریخ درونی و برونی علوی‌گری را در بر می‌گیرند کدام است؟ و چرا؟ پاسخ به این سؤال‌ها اهمیت زیادی دارد. در صورت تفکیک نادرست این دوره‌ها، ارزیابی صحیح وضعیت امروزی علوی‌گری ممکن نخواهد بود. به همین دلیل، اگر علوی‌گری در آناتولی یا به عبارت صحیح‌تر در جغرافیای ترکیه به وجود آمده باشد - که به نظر می‌رسد چنین است - مهم‌ترین و بزرگ‌ترین واقعه‌ای که علوی‌گری را به حرکت درآورد و در یک سیر تاریخی طولانی به روزگار کنونی منتقل کرد، چه بود؟ احمد یاشار اجاق آن را در جریان فعالیت‌های بابایی‌ها<sup>۱</sup> دانسته و از آن با اصطلاح عصیان یاد کرده است.<sup>۲</sup>

علویان ترکیه عموماً خاستگاه خود را به صورت نژادی و بر اساس گویش و زبان مادریشان به قبایل ترک یا کرد نسبت می‌دهند. ترکی بودن زبان علویان ترکیه به این معناست که خاستگاه فرقه‌ای آن‌ها ریشه در یک محیط اسلامی - ترکی خالص با رهبران مذهبی ترک دارد. اگرچه حضور علویان در آناتولی در دوره‌های مختلف جریان داشته است اما عموم منابع در این‌که علویان ترکیه از زمان سلجوقیان تشکیلات خود را در این منطقه شکل دادند، اتفاق نظر دارند. حضور سلجوقیان در آناتولی و تشکیل دولت و جامعه‌ای خاص که در گروه‌های کوچک سرباز (غازی) و تحت رهبری رهبران مقدس صوفی (باباها) سازماندهی می‌شدند.<sup>۳</sup> شمار جمعیت مسیحی یونانی، ارمنی، گرجی و سوری که تا این زمان بر اثر حملات قبلی کاهش یافته بود، بعد از آن نیز بر اثر جنگ و مهاجرت و یا تشرف به دین اسلام، کاهش یافت. صوفی‌ها در طول دولت سلجوقی نقش مهمی داشتند. اعضای

بدین ترتیب، پی از نگاهی به مشکل استفاده از منابع، به مفهوم علوی‌گری می‌پردازیم. امروزه ترکیه با مشکل مفاهیم مختلفی روبه‌روست که علوی‌گری نیز از آن جمله است. در رأس مفاهیمی که از پیوندهای تاریخی خود فاصله گرفته و به گونه‌ی دیگری استعمال و تفسیر شده است، واژه‌ی «علوی‌گری» است. احتمالاً به دو دلیل علویان بر استفاده از این واژه، اصرار دارند: اول، این که این واژه مشتق از نام حضرت علی (ع) است که در مرکز اعتقادات علوی‌گری قرار دارد و دوم این که این اصطلاح در قیاس با نام‌هایی، چون قزلباش، رافضی، زندیق، ملحد و ... که از خارج به آن‌ها اطلاق شده است، جنبه تحقیرآمیز ندارد و برعکس، چون از نام داماد پیامبر (ص) اخذ شده است، به ایشان بزرگی و افتخار نیز می‌دهد. در حالی که کلمه‌ی «قزلباش»، چنان که متخصصان بین‌المللی نیز اشاره کرده‌اند، در اصل یک نام تاریخی است که در دوره‌ی صفویه رواج یافت و معنای حقارت‌آمیزی ندارد. توضیحات تاریخی درباره‌ی این واژه نیز به خوبی مشخص است.

واژه‌ی «علوی» با این که بسیار قدیمی است، اما معنی وسیعی دارد که با علوی‌گری در ترکیه ارتباطی ندارد. در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جغرافیای جهان اسلام، از طرف محافلی که هیچ پیوند دور و نزدیکی با علوی‌گری ترک‌ها نداشته‌اند و در چارچوبی کاملاً متفاوت، «علوی» به مفهوم «از نسل امام علی (ع) بودن» به کار رفته است. استفاده از آن در خصوص علوی‌گری ترکیه نیز در قرن نوزدهم صورت گرفته است. اصطلاح علوی در عین حال درباره‌ی نصیریان نیز به کار رفته است که با علوی‌گری ترکیه به لحاظ زمانی، مکانی و اعتقادی رابطه‌ی نزدیکی ندارد. هم‌چنین استفاده‌ی نابجا از بسیاری از مفاهیم، مشکلات متعددی برای پژوهش‌گران این عرصه ایجاد کرده است.

مشکل دیگر در این خصوص، تلاش روشنفکران امروزی علوی در تعریف واژه‌ی علوی‌گری، با استفاده از مفاهیمی نظیر انسان‌گرایی، دموکراسی، لائسیسم و مساوات‌گرایی است که واژگانی جدید هستند. هدف از اصرار آن‌ها بر این امر، تعریف علوی‌گری به مثابه یک ایدئولوژی مدرن است تا پیش‌داوری ذهنی کهن در اندیشه‌ی طبقه نخبگان کمالیست غیرعلوی را بزدايند و با نشان دادن این که این واژه هیچ ارتباطی با ریشه‌ی تاریخی علوی‌گری ندارد، به آن مشروعیت دهند. این خطری جدی برای نسل‌های آینده است. در رأس مسائل مورد تردید در تاریخ علوی‌گری، خطای روش‌شناسی درباره‌ی آغاز تاریخ علوی‌گری است؛ یعنی این که تاریخ علوی‌گری در آناتولی، از کجا و چه زمانی باید آغاز شود تا عاری از خطا باشد؟

بسیاری از علویان و محققان علوی‌گری، زمان برخورد حضرت علی (ع) و معاویه بر سر خلافت را آغاز علوی‌گری می‌دانند. مسأله‌ای که در نگاه اول، این نظریه را صحیح می‌نماید، شخص حضرت علی (ع) است که موضوع اصلی اعتقادات علوی‌گری است. منطقی و اساس این دیدگاه چنین است که وقتی علوی‌گری، پیرامون حضرت علی (ع) به وجود آمد و آن حضرت را در مرکز اصول عقایدش قرار داد در این صورت آغاز آن باید با حضرت علی (ع) مرتبط باشد. این نقطه‌ی آغازین، درباره‌ی تشیع صدق می‌کند و در واقع آغاز تاریخ تشیع از همینجاست. انتقال اعتقاد به حضرت علی (ع) در علوی‌گری اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی روی داده است. به همین دلیل، آغاز تاریخ علوی‌گری نیز، سرزمین‌های عربی که درگیری‌های خلافت در آن‌جا صورت پذیرفت، نیست؛ بلکه ناحیه‌ی آناتولی است. البته زیربنای

معرفی علویان؛ تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌ی آن‌ها در ترکیه اختصاص دارد. تصویری که مؤلف محترم این اثر، آقای **نوری دونمز**، از علویان ترکیه عرضه می‌کند، علاوه بر استناد به آثار قدیم و جدید خود علویان، مستند به ارتباط مستقیم وی با خواص و عوام علویان است. کار کردن در این حوزه‌ها که منابع درباره‌ی آن‌ها کم‌تر سخن گفته‌اند، با تمام جذابیت‌هایش، سختی‌هایی نیز دارد که بر ارزش کار می‌افزاید. مطالعه و بررسی کتاب فوق برای محققان و پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ تشیع بسیار مفید خواهد بود، لذا به طور اجمالی این کتاب را به خوانندگان محترم معرفی می‌کنیم. در پایان نیز مواردی را که به نظر ضروری می‌آید را به بحث می‌گذاریم، باشد تا با توجه بیش‌تر و دقت نظر عمیق‌تر بتوان اثری پایدارتر در تاریخ و تمدن علویان ارائه داد.

نویسنده در ابتدای کتاب، در مقدمه‌ای کوتاه، به تعریف علوی‌گری پرداخته است؛ تعاریفی که برگرفته شده از لغت‌نامه‌های ترکی است. سپس با استمداد از نویسندگان معاصر علوی، از جمله **کلچ اوغلو**، تعاریف خود از علویان ترکیه را تکمیل می‌کند. اما در تعریف علوی‌گری تنها به متون و نوشته‌های ترکی اکتفا کرده، در صورتی که علوی و علوی‌گری مفهومی گسترده‌تر است و نویسنده می‌توانست به منابع جامع‌تری مراجعه کند.

نویسنده در ادامه‌ی همین بحث، در مورد سابقه‌ی اطلاق نام علوی به علویان ترکیه، احتمال داده است که حکومت عثمانی این عنوان را برای این که آن‌ها را از شیعه جدا کند در حدود ۲۵۰ سال قبل بر آن‌ها نهاده است. نویسنده توضیح بیش‌تری در این مورد نمی‌دهد.

روش تحقیق این اثر، کتابخانه‌ای و میدانی است؛ نویسنده بیش از پنجاه عنوان کتاب مربوط به علوی‌گری را جمع‌آوری کرده و از آن‌ها بهره جسته است. بخش دیگری از مطالب کتاب، مربوط به تحقیقات میدانی است.

**نوری دونمز** به حدود سی مرکز استان که در آن علویان سکونت دارند، مسافرت کرده و با بسیاری از تحصیل کرده‌ها و محققان علوی ملاقات و

حلقات مختلف صوفی مانند قلندریه و رفاعیه از آسیای میانه و شرق ایران به آناتولی مهاجرت می‌کردند؛ گروه‌های دیگر نیز بر اثر حملات مغول به سوی غرب رانده شدند. با مهاجرت مردمان ترک، رهبری باباهای صوفی تثبیت می‌شد. آن‌ها اقامتگاه‌های خود را در منطقه‌ی سکونت جدید، تأسیس کردند و کوشیدند تا آن‌ها را به بهره‌برداری برسانند. تکیه‌ها و تربیت‌خانه‌ها بنا شدند و باغ‌ها آباد شدند و مدارس توسعه یافتند. آن‌ها برای رفاه مسافران تدارک می‌دیدند و نیز در نزاع‌های بین قبایل، میانجی‌گری می‌کردند. صوفیان یک رفتار پرتسامح با مسیحیان در پیش گرفتند و ارتباط یونانی‌ها و ارمنی‌ها را با اسلام تسهیل کردند. در آناتولی، **حاجی بکتاش** بسیار تکریم می‌شد. او قرائتی از اسلام را تبلیغ می‌کرد که ترکیب باورهای شیعی و سنی و آداب دینی اسلامی و مسیحیت بود. مسیح نیز مورد تکریم مسلمانان قرار گرفت و به یک معنا ارتباط فرهنگی و مذهبی بین آن‌ها برقرار شد. بدین ترتیب ریشه‌های علوی‌گری باید در محیطی هم‌چون منطقه‌ی آناتولی جست‌وجو شود که در آن یک فرایند آمیختگی، بین جوامع مسیحی رها شده و قبایل ترک یا کردی که گونه‌ی متفاوتی از اسلام صوفیانه را پذیرفته بودند، رخ داد.<sup>۲</sup>

علویان به سبب گرایش مذهبی و ارتجاع فرهنگی‌شان مورد نفرت اکثریت سنی بودند. آن‌ها همواره در طول حاکمیت عثمانیان مورد آزار و اذیت قرار داشتند. علویان ترکیه بخشی از شیعیان اثنی‌عشری‌اند که به دلایل تاریخی-سیاسی در طی قرون متوالی پیوندهای فرهنگی‌شان با مراکز علمی شیعه در ایران و عراق گسسته بوده است. همین امر موجب شد که از یک سو از بخش مهمی از میراث مکتوب شیعه محروم بمانند و از سوی دیگر، تصویر دیگر شیعیان از ایشان مبهم یا برگرفته از القابات نادرست مخالفان ایشان باشد.

\*\*\*

کتاب علویان ترکیه، جزو نخستین آثار مستقل زبان فارسی است که به



## علویان

کتاب علویان ترکیه، جزو نخستین آثار مستقل زبان فارسی است که به معرفی علویان، تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌ی آن‌ها در ترکیه اختصاص دارد. تصویری که مؤلف محترم این اثر، آقای نوری دونمز، از علویان ترکیه عرضه می‌کند، علاوه بر استناد به آثار قدیم و جدید خود علویان، مستند به ارتباط مستقیم وی با خواص و عوام علویان است

و تبعید بودند، تا سال‌های ۱۸۰۰ م زیر نظر و با کمک‌های دولت عثمانی به راحتی زندگی می‌کردند. در قرن پانزده میلادی، علویان آسیای صغیر، منسوب به دو مکتب بودند: یکی مکتب حاج بکتاش ولی<sup>۵</sup> در نوشهر، نزدیک آنکارا و دیگری مکتب صفی‌الدین اردبیلی. مکتب اردبیلی در سال ۱۵۰۱ م به وسیله‌ی شاه اسماعیل به یک دولت سیاسی تبدیل شد و این دولت برای علویان آسیای صغیر مایه‌ی امید به نجات بود. شاه اسماعیل در عین این که یک دولتمرد بود، بین علویان یک رهبر دینی بزرگ نیز به شمار می‌آمد (صص ۲۰-۲۱). نوری دونمز در ادامه‌ی این بحث به جنگ چالدران پرداخته است. جنگی که برای سلطان عثمانی یک پیروزی بود و علویان را محدود کرد. علویان نیز چون در معرض اتهام به خیانت قرار گرفته بودند، به کوه‌ها و جنگل‌ها فرار می‌کردند. پس از جنگ چالدران، علویان نمی‌توانستند مراسم عبادی خود را در مسجد یا خانقاه یا هرگونه اجتماع دیگری انجام دهند؛ لذا مراسم خود را به شکل مخفیانه انجام می‌دادند. بدین ترتیب علویان نوعی تقیه در پیش گرفتند و کم‌تر مراوداتی با دیگر مراکز شیعی برقرار کردند. دولت عثمانی، فرزند علویان را به مدارس دولتی راه نمی‌داد و حتی بدتر از این، به دست گرفتن قرآن برای علویان ممنوع شده بود و کسی که به علوی قرآن می‌فروخت، گناه بزرگی مرتکب می‌شد. جالب است که حتی بعضی از علویان، از دوستان مسیحی یا یهودی خود می‌خواستند که برای آنان قرآن بیاورند. عثمانیان فشارهای جسمی و روانی بسیاری بر علویان وارد می‌کردند و به آنان القاب مختلفی مثل، رافضی، کافر و زندق می‌دادند. آنان را خودی نمی‌دانستند و همیشه ایشان را نادیده می‌گرفتند (ص ۲۳).

علویان در حکومت جمهوری، مطلب دیگر این فصل است. در این بخش، به سرگذشت علویان و فعالیت‌های آن‌ها پس از برقراری جمهوری در ترکیه پرداخته شده است. از موضوعات دیگر این فصل، به این مطالب می‌توان اشاره کرد: اولین حزب علویان در سال ۱۹۶۶ م با نام «حزب وحدت ترکیه»؛ نقش پرچم سرخ‌رنگ آن و دوازده ستاره به نشانه‌ی دوازده امام و در میان آن‌ها یک شیر به نشانه‌ی حضرت علی(ع)؛ حضور در انتخابات ۱۹۶۹ م و راه‌یابی هشت نماینده به مجلس. نویسنده سپس به شکست حزب علویان اشاره کرده و تمایل آن‌ها را به احزاب چپ سوسیالیستی و گروه‌های کمونیستی در دهه‌ی هشتاد قرن بیستم بیان کرده است. البته چپ‌گرا شدن علویان صرفاً تمایل عقیده‌ای نبوده است؛ بخشی از آن سیاسی و به انگیزه‌ی مبارزه با حکومت بوده است. نویسنده در قسمت پایانی این بخش به خیزش و بیداری ۲۵ سال اخیر علویان در ترکیه برای احقاق حقوقشان پرداخته است؛ اعتراضات مردمی‌ای که به حوادثی هم‌چون حادثه‌ی سال ۱۹۷۸ م در شهر

مصاحبه نموده است. بدون شک استفاده از تاریخ شفاهی می‌تواند بسیاری از زوایای ناشناخته‌ی تاریخ را بازگو کند. استفاده از روش میدانی در تحقیق، مخصوصاً برای موضوعاتی که کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده، با سختی‌ها و البته شیرینی‌هایی همراه بوده است. کتاب علویان ترکیه را باید در شمار آن مجموعه آثار قرار داد که تاریخ را امروزی‌تر نگریسته و از دریچه‌ی مصاحبه و گفت‌وگو با شواهد زنده تنظیم و تدوین شده است.

فصل اول نگاهی گذرا به تاریخ علویان ترکیه دارد. نویسنده در این قسمت به اختصار، سرگذشت علویان ترکیه قبل از حکومت عثمانی را مورد مطالعه قرار داده است. وی جریان‌هایی را که منجر به حضور علویان در ترکیه شد به سه دسته تقسیم کرده است: (۱) کوچ اقوام آسیای میانه پس از حمله‌ی مغول به سرزمین ترکیه و اثرپذیری آن‌ها از تصوفی که در آن سرزمین رواج داشت. (۲) گروه دیگری از ترک‌های مهاجر آسیای میانه که با عباسیان هم‌روابطی پیدا کرده بودند. (۳) مهاجران علوی که پس از فروپاشی آل بویه، از سوریه و شمال عراق، تحت فشار دولت‌های سنی از جمله ایوبیان، به ترکیه مهاجرت کردند. مهاجرت این گروه حتی تا زمان عثمانیان ادامه داشت (ص ۱۸).

بحث بعدی این فصل، علویان در حکومت عثمانی است. نویسنده در ابتدا به استقرار عثمانی‌ها در آناتولی اشاره می‌کند و سپس به ارتباط سلاطین اولیه‌ی عثمانی با جریان‌های صوفی منشانه از جمله بکتاشیه می‌پردازد. در ادامه، حرکت صفویان و فعالیت‌های اسلاف آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده است و آن را عاملی در رواج مذهب علوی در آناتولی دانسته است. «در زمان شیخ جنید، روابط دوستانه‌ای بین اردبیل و مردم آناتولی به وجود آمد به طوری که در قرن ۱۵ م مذهب علوی با صبغه غالب صوفیانه‌اش در آناتولی بسیار رواج یافت. این وضع تا سال ۱۵۰۱ م که شاه اسماعیل در تبریز پادشاهی خود را اعلام کرد، ادامه داشت. در این زمان دل‌بستگی مردم علوی آناتولی به صفویان، تبدیل به رویای تشکیل یک دولت علوی گشت» (ص ۱۹). سلطان عثمانی که از روابط علویان و صفویان مطلع شده بود برای محدود کردن روابط آن‌ها، دست به اقداماتی زد. احیای خانقاه‌ها و مقابر بزرگان اهل سنت در آناتولی و ارتباط با علمای اهل سنت از جمله‌ی این اقدامات بود. در این زمان بایزید دوم، سلطان عثمانی، برای این که از گسترش نفوذ دولت صفویه و اندیشه‌ی علوی‌گری جلوگیری کند، به تبلیغ مکتب بکتاشیه و ایجاد خانقاه برای آن‌ها پرداخت. جالب است که این اقدام سیاسی عثمانی حدود پنجاه سال بعد از فوت حاج بکتاش ولی صورت گرفت و جالب‌تر این که بکتاشیان، یا بخشی از ایشان، به عنوان یک شاخه‌ی پرجمعیت از علویان ترکیه، برخلاف سایر علویان که در زیر ظلم

قهرمان ماراش منجر شد که طی آن بیش از صد علوی کشته شدند. در چند سال اخیر، با توجه به رشد بی‌سابقه‌ی دموکراسی و جدی شدن موضوع پیوستن ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا، هم دولت از فشار خود بر علویان کاسته است، و هم علویان مجال یافته‌اند از مجاری قانونی، همانند رسانه‌های جمعی و تشکیل مؤسسات و مراکز فرهنگی، ابراز وجود کنند و در پی احقاق حقوق خود باشند (ص ۲۵).

آخرین بخش فصل اول، به اوضاع اقتصادی علویان اختصاص یافته است. از آن‌جا که علویان در حال کوچ و گریز بودند، و کم‌تر به ارگان‌های دولتی جذب شدند، قدرت اقتصادی چندانی ندارند. سیستم اقتصادی ترکیه نیز امروزه بیش‌تر به این امر دامن زده است. زیرا شرکت‌ها و سرمایه‌دارها که از سوی دولت حمایت می‌شوند، عرصه را از دیگر گروه‌ها می‌گیرند.

فصل دوم؛ ترکیب نژادی و میزان جمعیت علویان ترکیه. نویسندگان در این فصل، علویان ترکیه را به چهار گروه نژادی تقسیم کرده است؛ الف) ترکان (ب) کردها (ج) زازاها (د) عرب‌ها.

ترک‌ها که عموماً از نژاد ترکمن هستند؛ خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. چینی‌ها؛ آن‌ها گروهی بودند که همراه سلجوقیان به آناتولی وارد شدند و به عنوان حاکمان مرزی گماشته شدند. امروزه چینی‌ها در مناطق ترابوزان<sup>۶</sup> و شهرک گرسون<sup>۷</sup> و تیره بولو<sup>۸</sup> و گورله<sup>۹</sup> و واقفی کبیر<sup>۱۰</sup> زندگی می‌کنند.

۲. تختچی‌ها؛ آن‌ها امروزه در منطقه‌ی وسیعی از جنوب تا جنوب‌غربی ترکیه از مرعش<sup>۱۱</sup> گرفته تا کوه‌های توروس<sup>۱۲</sup> و از انتهای کوه‌های توروس تا جنوب دریای اژه زندگی می‌کنند. مناطقی که عموماً ساحلی و جنگلی است.

۳. بیدی‌ها؛ این گروه از ترکمن‌ها، دلبستگی با صفویان نیز داشتند و عموماً در مناطق شرقی ترکیه زندگی می‌کنند.

نویسنده درباره‌ی کردها، اشاره به این مطلب دارد که آن‌ها تمرکز ندارند و به صورت پراکنده در مناطق مختلف زندگی می‌کنند. وی معتقد است که زازاها یک قوم مستقل هستند، چون زبان مستقلی دارند، اگرچه شباهت‌های زیادی میان زبان آن‌ها و کردی و لری وجود دارد. نویسنده در ادامه مناطقی که زازاهای علوی در آن زیست می‌کنند برشمرده است. عرب‌های علوی در جنوب ترکیه و مناطق هم‌مرز با سوریه زندگی می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه‌ی این گروه، برگزاری جشن باشکوه عید غدیر خم است که نویسنده آن را بی‌نظیر خوانده است. مراسمی که مفتی‌های سنی و مسوولان دولتی نیز شرکت می‌کنند. بحث بعدی فصل دوم، نسبت جمعیت علویان، به کل جمعیت است. اگرچه علویان در تقیه بوده‌اند و آمار دقیقی نمی‌توان ارائه داد،

با این وجود نویسنده با استمداد از نویسندگان علوی ادعا می‌کند که یک‌سوم مردم ترکیه علوی هستند (ص ۳۱). نوری دونمز، در پایان این فصل، درصد جمعیت علویان در شهرهای ترکیه را با استفاده از آمار رسمی و مشاهدات و داده‌های شخصی خویش، بر اساس جدولی منظم، مشخص کرده است.

فصل سوم؛ شخصیت‌های تاریخی علویان. نویسندگان در قسمت ابتدایی این بحث به شخصیت‌های تاریخی مورد تمجید علویان پرداخته است. اولین شخصیتی که در نظر علویان ترکیه جایگاه بالایی دارد، حاج بکتاش ولی است. مؤلف با استفاده از کتب علویان، شجره‌ی او را تا امام موسی کاظم (ع) بیان کرده است. در ادامه آثار منسوب به حاج بکتاش را معرفی کرده است، از جمله؛ مقالات و مسلمانان، شیخیه، کتاب الفوائد و ... . دونمز برخی از جملات حکمت‌آمیز حاج بکتاش را نیز انتخاب کرده که جالب به نظر می‌رسد. شخصیت دیگری که دونمز معرفی کرده، یونس امره است؛ وی از بنیان‌گذاران شعر ترکی است و اشعار او در میان علویان محبوب است و نویسنده برخی از اشعار او را نیز در کتاب آورده است. شاعر بزرگ و عارف و ارست‌های ایرانی، مولوی، شخصیت دیگری است که علویان ترکیه به وی می‌بالند؛ نویسنده در گفت‌وگوهایی که با دده‌ها انجام داده است، شاهد بوده که در مسائل گوناگون به نظرات مولانا اشاره می‌کرده‌اند. قسمت دوم از فصل سوم، به معرفی هفت شاعر بزرگ اختصاص دارد که در میان علویان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند:

۱. پیر سلطان ابدال<sup>۱۳</sup>، درباره‌ی زندگی وی اطلاعات کافی در دست نیست، ولی وی در زمان شاه طهماسب صفوی می‌زیسته است. او روحیه‌ی انقلابی داشت و در یکی از حرکت‌های مردمی علیه عثمانیان اسیر شد و اعدام گشت. اشعار او در میان علویان خوانده می‌شود و الهام‌بخش حرکت‌های ضد ظلم است.

۲. شاه اسماعیل خطایی که در واقع همان شاه اسماعیل صفوی است. او نیز در نزد علویان ترکیه محبوب است و اشعارش خوانده می‌شود.

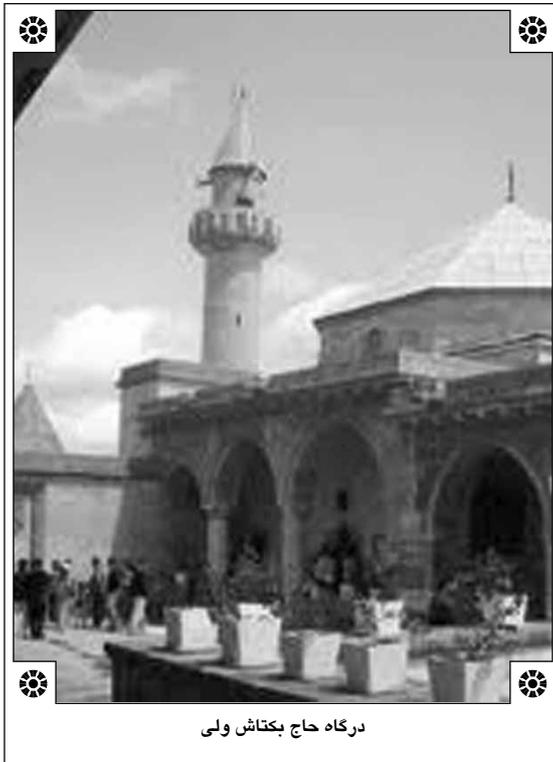
۳. سید نسیمی، اطلاعات زیادی درباره‌ی او وجود ندارد، اما به جرم افکار صوفیانه به قتل رسیده است. از او نیز اشعاری موجود است.

۴. قل همت<sup>۱۴</sup>، وی مرید پیر سلطان ابدال و از نزدیکان او بوده است. در اشعار خود محبت و دوستی و برادری و کمک به یکدیگر را توصیه کرده است.

۵. یمینی<sup>۱۵</sup>، از وی منظومه‌ای به نام فضیلت‌نامه باقی مانده است. این کتاب درباره‌ی کرامات حضرت علی (ع) و جنگ‌های ایشان است.

۶. ویرانی<sup>۱۶</sup>، او نیز از شاعران محبوب علویان است.

**عرب‌های علوی در جنوب ترکیه و مناطق هم‌مرز با سوریه زندگی می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه‌ی این گروه، برگزاری جشن باشکوه عید غدیر خم است که نویسنده آن را بی‌نظیر خوانده است**



درگاه حاج بکتاش ولی

آن با گلیم و فرش و تصاویر مذهبی زینت داده می‌شود (ص ۷۱). مؤلف ضمن شرحی از ویژگی‌های ظاهری خانه‌های جمع، معروف‌ترین خانه‌های جمع علویان را برمی‌شمرد. مسجد مرکز دیگری است که علویان به آنجا توجه خاصی داشته‌اند و مراسم خود را در آنجا برگزار می‌کنند. مؤسسات دیگری که مؤلف به آن‌ها پرداخته است، مؤسسات فرهنگی است که در نیم‌قرن اخیر شکل گرفته‌اند. این مؤسسات بیش‌تر به کارهای فرهنگی، مثل برگزاری سمینارها، نمایش، آموزش و ... مشغول هستند. از جمله مؤسسات فرهنگی که دونمز معرفی کرده می‌توان به مؤسسه‌ی فرهنگی حاج بکتاش ولی، پیرسلطان ابدال، مؤسسه‌ی شهرستان‌ها و مؤسسات فرهنگی دیگری اشاره کرد که با نام‌های مختلف فعالیت می‌کنند. مؤلف هم‌چنین بخشی را به معرفی اوقاف معروف علویان در ترکیه اختصاص داده است که تنها یک معرفی ساده است و زوایای آن را مورد واکاوی قرار نداده است. پرداختن به اوقاف و جایگاه آن در حیات اجتماعی یک گروه می‌تواند در فهم مطالب کمک شایانی کند. آخرین مرکزی که در این فصل معرفی شده، فدراسیون اتحادیه‌های علوی اروپا است، که در کشور آلمان تشکیل شده است. این فدراسیون دارای تحولات و تغییراتی بوده که مؤلف به بخش‌هایی از آن پرداخته است.

فصل ششم؛ مراسم آیینی علویان. اولین مراسمی که مؤلف آن را شرح داده، «مراسم جمع» است. مراسم جمع، مهم‌ترین مراسم علویان است، این مراسم با ارکان دوازده‌گانه‌ای اجرا می‌شود. دوازده رکن، احتمالاً به دوازده خدمتکار حضرت محمد (ص) اشاره دارد که اهل مدینه پس از بیعت عقبه، در اختیار آن حضرت گذاشتند، یا از دوازده امام الهام گرفته شده است (ص ۸۱). نویسنده

۷. فضولی،<sup>۱۷</sup> آخرین شاعر بزرگ از شاعران هفت‌گانه‌ی علوی است. زندگی‌اش در کربلا و اطراف آن گذشت. نویسنده در پایان نمونه‌ای از اشعار فضولی را آورده است.

فصل چهارم؛ علویان بکتاشی و علویان غیربکتاشی: مؤلف در این فصل از کتاب، علویان ترکیه را از منظر طرفداری به حاج بکتاش، تقسیم‌بندی کرده است. او اشاره می‌کند که علویان غیربکتاشی هم به حاج بکتاش احترام می‌گذارند اما وابسته به رهبران خودشان هستند. در قسمت ابتدایی که علویان بکتاشی را مورد ارزیابی قرار داده، اطلاعات خود را از کتاب ولایت‌نامه، جمع‌آوری کرده است. وی در این قسمت، فعالیت‌های حاج بکتاش در نقاط مختلف آناتولی و مریدان وی را آورده است. هم‌چنین شرح مختصری از بکتاشی‌ها پس از حاج بکتاش و سرگذشت آنان تا عصر حاضر را آورده است: «از زمان درگذشت حاج بکتاش ولی تا عصر حاضر، جانشینان او که پست‌نشین نامیده می‌شوند، عهده‌دار رهبری معنوی بکتاشی‌ها هستند. در هر عصری یک نفر پست‌نشین است که دارای خلیفه‌های متعددی است» (ص ۵۰). پست‌نشین‌ها به دو شاخه‌ی باباگان و چلیبی‌ها تقسیم شدند و هر کدام سلسله‌ی پست‌نشین داشتند که مؤلف آن‌ها را سلسله‌وار تا به امروز ذکر کرده است.

در قسمت دوم این فصل، علویان غیربکتاشی معرفی می‌شوند. این دسته از علویان، به شاخه‌های متعددی تعلق دارند که به هر کدام «اجاق» گفته می‌شود. اجاق اشاره به خاندانی دارد که معمولاً به نام یکی از اجداد مشهور خود خوانده می‌شود (ص ۵۶). مؤلف در ادامه مشهورترین این اجاق‌ها و دده‌های آن‌ها را معرفی می‌کند: عزالدین دوغان،<sup>۱۸</sup> محرم ناجی اورهان،<sup>۱۹</sup> محمد یامان.<sup>۲۰</sup> نکته‌ی مهم آن است که مؤلف بخشی از اطلاعات این اجاق‌ها را از طریق مصاحبه با آن‌ها کسب کرده است. بخش پایانی این فصل اختصاص به جایگاه معنوی دده‌ها دارد. در این قسمت، نویسنده به نقش دده‌گری در جامعه‌ی علویان می‌پردازد و اشاره می‌کند که همه سید و از نسل پیامبر (ص) هستند. مؤلف ویژگی‌های دده را از کتاب بوپروک استخراج کرده و در این بخش آورده است. هم‌چنین در این بخش سلسله‌مراتب رهبری پس از دده نیز ذکر شده است. از مهم‌ترین مسائل دده‌ها، شجره‌نامه و علم آن‌هاست که همواره باید مورد توجه علویان باشد.

فصل پنجم؛ مراکز و مؤسسات فرهنگی و مذهبی علویان. نویسنده در این فصل از مراکز سخن می‌گوید که علویان در آن‌ها فعالیت دارند. در قسمت ابتدایی، اشاره به «درگاه» دارد که مجموعه‌ای از بناها را شامل می‌شود که نزدیک مزار یک شخصیت بزرگ ساخته شده‌اند. درگاه‌های برشمرده در این قسمت عبارت است از: درگاه حاج بکتاش ولی، درگاه ابدال موسی،<sup>۲۱</sup> درگاه شاه قلی سلطان،<sup>۲۲</sup> درگاه کاراجا احمد سلطان.<sup>۲۳</sup> از آنجا که شخصیت‌های فوق، جایگاه ویژه‌ای نزد علویان داشته‌اند، درگاه‌های آن‌ها نیز اهمیت بسزایی دارد و لذا شناختن آن‌ها کمک زیادی به شناخت اجتماع و فعالیت علویان می‌کند. این درگاه‌ها در شهرهای مهمی واقع شده‌اند، لذا مؤلف درباره‌ی استقرار و محل مزار شخصیت‌ها توضیحاتی داده است. سپس ویژگی معماری و ساخت بنا را مورد ارزیابی قرار داده و سرانجام آداب و مناسک ورود و خروج به این مرکز را شرح داده است. مرکز بعدی، «خانه‌های جمع» است؛ محلی که در آن آیین‌ها و مراسم مذهبی اجرا می‌شود. خانه‌های جمع مدور ساخته می‌شود و زمین آن با قالی و پوست فرش می‌شود و دیوارهای

**کتاب علویان ترکیه با توجه به استفاده از منابع ترکی و اصلی خود  
علویان ترکیه دارای اهمیت و اعتبار والایی است. دقت در اندیشه،  
تاریخ و فرهنگ علویان بخش‌های مختلف این کتاب را شامل می‌شود  
و به طور کلی می‌توان گفت، این کتاب به خوبی به زوایا و جوانب این  
گروه مذهبی دقت کرده است**

فصل هشتم با عنوان علویان و احکام شریعت، اختصاصاً به امور فقهی علویان مربوط می‌شود. مؤلف مباحثی هم‌چون فروع دین، شامل؛ نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، و تولی و تبری را بر اساس آثار و نوشته‌های خود علویان شرح داده است. در قسمت پایانی این فصل، به تهمت‌هایی پرداخته است که به علویان نسبت داده شده است؛ تهمت باور به تحریف قرآن و تهمت حلال شمردن شراب. **نوری دونمز** با تکیه بر منابع و هم‌چنین مصاحبه با علویان، بی‌اساس بودن تهمت‌های فوق را اثبات می‌کند.

فصل پایانی کتاب اشاره به مقامات عرفانی در اندیشه‌ی علویان دارد. اندیشه‌ی عرفانی علویان در آموزه‌ها و سخنان **حاج بکتاش ولی**، **مولوی**، **پیرسلطان ابدال**، **نسیمی** و **شاه اسماعیل خطایی** ریشه دارد و در میان آن‌ها بیش‌ترین تأثیر را **حاج بکتاش** داشته است. مؤلف در این بخش، توصیه‌های اخلاقی و اندرزهای **حاج بکتاش** را آورده که به طریقی در اندیشه‌های علویان مؤثر بوده است. بخشی دیگر از این فصل به معنویت علوی‌گری و ارتباط آن با تصوف اختصاص یافته است. در موضوع کمالات معنوی و رسیدن به خدا، تعبیر «چهار درب چهل مقام» در میان آن‌ها مشهور است. چهار درب عبارتند از؛ شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت که هر کدام از این درهای چهارگانه، ده مقام دارد که جمعا چهل مقام می‌شود. نویسنده هر کدام از مفاهیم را بر اساس منابع علویان توضیح داده است.

**ارزیابی**

کتاب علویان ترکیه با توجه به استفاده از منابع ترکی و اصلی خود علویان ترکیه دارای اهمیت و اعتبار والایی است. دقت در اندیشه، تاریخ و فرهنگ علویان بخش‌های مختلف این کتاب را شامل می‌شود و به طور کلی می‌توان گفت، این کتاب به خوبی به زوایا و جوانب این گروه مذهبی دقت کرده است. با تمام محاسن و ارزشی که کتاب فوق دارد، نگارنده‌ی این مطلب، مواردی را از منظر یک خواننده‌ی کتاب یادآوری می‌کند تا بتوان بر ارزش هرچه بیشتر کتاب افزود.

۱) کتاب علویان ترکیه همان‌طور که از نام آن پیداست به تاریخ علویان در ترکیه می‌پردازد. در این که نویسنده‌ی محترم از منابع خود علویان ترکیه استفاده کرده و در جای‌جای کتاب به آن‌ها ارجاع داده، بحثی نیست. اما سؤال این است که آیا تاریخ علویان منحصر به همان حوزه‌ی جغرافیایی با همان زبان (ترکی) است؟ نویسنده در تعریف علوی‌گری و علویان، از نوشته‌های ترکی استمداد جسته است، در صورتی که آن‌ها تنها تعریف مختصر و کوتاهی

ارکان دوازده‌گانه را به صورت سلسله‌مراتبی نیز آورده؛ دده یا پیر یا مرشد؛ رهبر؛ دیده‌بان؛ چراغچی؛ ذاکر؛ فراش؛ میدانچی؛ نیازچی؛ سقّاء؛ آفتابه‌دار؛ پیک پروانه؛ نگهبان. وی هم‌چنین شرح وظایف هر یک را نیز مختصراً توضیح داده است. در مراسم جمع، نوعی رقص آیینی به نام سماع انجام می‌شود که با آداب و تشریفات خاص و نواختن ساز همراه است. اشعاری که در این مراسم خوانده می‌شود، درباره‌ی عشق به خدا و در مدح اهل بیت(ع) است. این مراسم در میان علویان بسیار مهم است (ص ۸۴).

مراسم سوگ عاشورا؛ این مراسم در میان همه‌ی علویان، اعم از عوام و خواص ایشان اهمیت بسیار دارد. در کتاب‌های علویان درباره‌ی کیفیت مراسم ماه محرم فراوان گفته شده است که در این بخش، مؤلف خلاصه‌ای از این مطالب را آورده است. یک روز قبل از ماه محرم، تمام افراد خانواده غسل می‌کنند و دیگر در طول دوازده روز استحمام نمی‌کنند و لباس نمی‌شویند و سر و صورت خود را اصلاح نمی‌کنند. آنان خود را در حسرت آب نگاه می‌دارند تا در تشنگی با **امام حسین(ع)** شریک شوند. پس از غسل، لباس‌های سفید نمی‌پوشند و از غذاهای لذیذ اجتناب می‌کنند. شب‌ها در خانه‌ی جمع، گرد می‌آیند (ص ۸۴).

مراسم یادبود **حاج بکتاش ولی**؛ هر ساله در شانزدهم آگوست، جشن‌هایی برگزار می‌شود. در این مراسم، نمایش فرهنگی و هنری اجرا می‌شود و گروه‌های مردم علوی و بکتاشی با یکدیگر آشنا می‌شوند و اتحادشان را به نمایش می‌گذارند (ص ۸۶).

فصل هفتم؛ عقاید علویان. در این فصل مؤلف با استفاده از متون قدیمی علویان و نیز کتاب‌های جدید نویسندگان علوی، چه نظم و چه نثر، عقاید علویان را معرفی کرده است. بخش دیگری از اطلاعات مربوط به عقاید را نیز در نتیجه‌ی تماس با آن‌ها کسب کرده است. عقایدی که در این فصل به آن‌ها پرداخته است، موارد زیر را در بر می‌گیرد: ۱. توحید. ۲. نبوت. ۳. امامت. ۴. معاد. درباره‌ی هر کدام از جنبه‌های عقاید علویان توضیحات مختصری آورده است. علویان تأکید بسیاری بر جنبه‌ی عرفانی نبوت و امامت دارند، زیرا این دو مقام، ریشه در قرب و مقام معنوی دارد که نبی و امام در عوالم علوی از آن بهره‌مند بودند (ص ۹۵). نویسنده با استفاده از اشعار بسیار، علاقه و اعتقاد علویان به ائمه(ع) را نشان می‌دهد. از آن‌جا که علویان در آثار و اعتقاد خود توجه زیادی به **حضرت علی(ع)** دارند، مؤلف در بحث پایانی، اشارهای به غالی بودن علویان می‌کند و این بحث را پیش می‌کشد که آیا علویان غالی‌اند؟ و خود پاسخ می‌دهد که ریشه‌ی این تهمت، علاقه‌ی شدید علویان به **حضرت علی(ع)** و بی‌زاری جستن از خلفای دیگر است (ص ۱۰۴).

با مطالعه‌ی این کتاب هر خواننده به خوبی درمی‌یابد که خاستگاه و شاخه‌ی علویان ترکیه، تصوف بوده است. رهبران صوفی رهبری آن‌ها را داشتند و اصطلاحات صوفیانه در اندیشه‌ی آن‌ها به خوبی قابل مشاهده است

## علویان

پیرامون خود، تبدیل به نهضت‌هایی اجتماعی - عقیدتی شدند که تا به امروز وجود دارند. یکی از آن‌ها که «عصیان بابایی‌ها» است که در سال ۴۰-۱۲۳۹ م در عصر سلجوقیان آناتولی روی داد؛ و دیگری قیام شیخ بیدالدین سماونه‌ای است که در سال ۱۴۱۶ م در دوره‌ی عثمانی‌ها به وقوع پیوست. هر دو قیام زیربنای لازم برای تشکیل علوی‌گری را فراهم آوردند؛ اولی در آناتولی و دومی در شبه‌جزیره‌ی بالکان.

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره نک به: یاشار اجاق، احمد و شهاب ولی (۱۳۸۵). «از عصیان بابائیان تا قزلباش‌گری، نگاهی به تاریخ و رشد علویان در آناتولی»، مجله تاریخ اسلام، پاییز، شماره‌ی ۲۷ صص ۱۵۹-۱۸۲

3. A History of Islamic Societies, Cambridge University Press, 1988, p. 304

۴. آرینگبرگ ولانتازا، مارینسی (۱۳۸۷). «علویان ترکیه و علویان سوریه (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)»، ترجمه‌ی عباس برومند علم، فصلنامه تاریخ اسلام، سال نهم، پاییز و زمستان، شماره‌ی مسلسل ۳۵-۳۶، ص ۲۰۴

5. Hacı Bektaş Veli

۶. Trabzon ترابزون، ترابوزان یا در گذشته طرابوزان. شهری است در ترکیه در کنار دریای سیاه. این شهر از شهرهای تجاری ترکیه است که در گذشته رابط ایران و ترکیه هم بود و لذا دارای موقعیت ممتازی است.

7. Giresun

8. Tirebolu

9. Gorele

10. Vakfikebir

11. Maras

12. Toros

13. Pir Sultan Abdal

14. Kul Himmet

15. Yemini

16. Virani

17. Fuzuli

18. Izzettin Dogan

19. Muharrem Naci Orhan

20. Mehmet Yaman

21. Abdal Musa

22. Sakhulu Sultan

23. Karaca Ahmet Sultan

دارند. بهتر می‌بود تعریف مفهوم علوی‌گری مبسوط‌تر و با استفاده از منابع مهم‌تر عربی صورت می‌گرفت. هم‌چنین در بخش‌های مربوط به تاریخ علویان، نویسنده بسیار سطحی و گذرا ارتباط آن‌ها با دولت‌ها و گروه‌های مختلف را بررسی کرده است و منابع غیرترکی در این بخش دیده نشده‌اند. همان‌طور که در ابتدا اشاره کردیم، بخش مهمی از شکل‌گیری علویان ترکیه در ارتباط با گروه‌ها و دولت‌های مختلف صورت گرفت و چه خوب بود نویسنده اشاره‌ای هم به این امر می‌داشت و یا با مطرح کردن بعضی دولت‌ها مانند صفویان، قزلباشان و بابائیه از منابع آن‌ها نیز استفاده می‌کرد.

۲) با مطالعه‌ی این کتاب هر خواننده به خوبی درمی‌یابد که خاستگاه و شاخه‌ی علویان ترکیه، تصوف بوده است. رهبران صوفی رهبری آن‌ها را داشتند و اصطلاحات صوفیانه در اندیشه‌ی آن‌ها به خوبی قابل مشاهده است. ادبیات متصوفانه در ادبیات آن‌ها تأثیر بسیاری گذاشته و از همه مهم‌تر جریان بکتاشی‌گری که به طور خاص با علویان ارتباط می‌یابد؛ با این حال، جای خالی مطالبی درباره‌ی تصوف در کتاب احساس می‌شود. بدون شک تحلیل تصوف و بررسی اندیشه‌ی آن‌ها زوایای مختلفی از پیوند علویان و متصوفان را نشان خواهد داد.

۳) نویسنده چون خود مدتی در نزد علویان حاضر بوده است، در این کتاب بیش‌تر به تاریخ درونی یعنی مراسم و ادبیات علویان پرداخته و به سادگی از کنار بخش‌های مهمی از تاریخ علویان ترکیه و یا تاریخ برونی گذشته است. به عنوان نمونه می‌توان به موضوع علویان پس از جمهوری اشاره کرد؛ کمال آتاتورک و فرآیند سکولاریزم. آتاتورک به شدت با نظام سنتی مبارزه کرد. در این میان فضایی ایجاد شد و علویان توانستند در جامعه حضور پیدا کنند و در فقدان آن دسته از مخالفان متعصب، فعالیت کنند. اگرچه هنوز هم تقیه در دستور کارشان بود. ارتباط علویان با ارامنه در این مقطع تاریخی اهمیت بسزایی داشته است که نویسنده‌ی کتاب در این باره چیزی نگفته است. جریان‌ات پس از جنگ جهانی دوم و احزاب مختلف، حرکت‌های سیاسی علویان و گروه‌بندی‌های متنوع، اسلام‌گراهای جدید، کردها، گرایش‌های پان‌ترکی، جریان چپ و ... از دیگر مسائل مهم علویان پس از جمهوری به حساب می‌آیند.

### پی‌نوشت

۱. جنبش بابایی‌ها؛ زیربنای تاریخ علوی‌گری در ترکیه قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی در دوران سلجوقیان و عثمانی‌ها، عصیان‌ها و جنبش‌های اجتماعی فراوانی بر ضد حکومت مرکزی در ترکیه روی داده است؛ اما در بین آنها، تنها دو عصیان با جمع‌آوری محافل غیرسنی،